

خشت کج

نقدی به یک گفت‌وگو و یادداشت از سعید لیلاز

واسطه‌ای برای تولید قرار می‌گیرند) که نهایتاً ضریب تعدیل ارزش محصول ناخالص داخلی (GDP Deflator) را اندازه‌گیری می‌کند. موجب ایجاد نتایج هیجان‌انگیز برای تحلیلگر پژوهش شده است که در تحلیل آماری مقایسه رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه به آن اشاره کرده‌اند.

ث) رشد (تجمعی، سالانه) هر متغیر در یک دوره زمانی تابعی از اندازه آن متغیر در سال پایه (سال اول) و سال هدف (سال پایانی) آن دوره زمانی است و نشان‌دهنده تحولات سالانه آن متغیر در هر یکی از سال‌های آن دوره زمانی نسبت به سال قبل از آن نیست، به‌ویژه اگر اندازه متغیر موردنظر در طول سال‌های دوره زمانی دارای فراز و فرود سینوسی باشد؛ بنابراین در آنجا که گفته می‌شود: «مبنای تقسیم‌بندی زمانی درون این دوره ۲۱ساله ایران بوده است…»، این تقسیم‌بندی ممکن است برای دیگر کشورهای مورد بررسی تأثیر متفاوت (افزون) برآوردی یا کم‌برآوردی) داشته باشد.

ج) توصیه نظام حساب‌های ملی آن است که برای اندازه‌گیری رشد اقتصادی کشورها و مقایسه آنها کافی است که از ارزش محصول ناخالص داخلی آنها بر حسب قیمت ثابت و پول ملی (National Currency یا Local Currency) استفاده شود و تفاوت سال پایه قیمت ثابت در کشورهای مختلف تأثیری در این اندازه‌گیری ندارد. همچنان‌که به‌وضوح در آمارهای بانک جهانی نیز می‌توان دید که اندازه رشد اقتصادی کشورها بر حسب پول ملی هر کشور، پول ملی یک کشور منتخب مانند دلار آمریکا (\$) و یا پول نمادین بین‌المللی با نام دلار بین‌المللی (International \$) در ارزش‌گذاری بر مبنای برابری قدرت خرید هیچ تفاوتی نمی‌کند.

ح) برخلاف آنچه در یادداشت پژوهش آمده است، مبنای ارزش‌گذاری محصول ناخالص داخلی کشورها در روش برابری قدرت خرید، دلار آمریکا (\$) نیست بلکه پول نمادینی به نام دلار بین‌المللی (International \$) است.

خ) روش برابری قدرت خرید، اصولاً برای رتبه‌بندی (Scaling) اندازه نسبی اقتصاد کشورها در مقایسه با یکدیگر معرفی و بسط داده شده است و استفاده از آن برای برآورد رشد اقتصادی کشورها هیچ مزیتی ندارد. ضمن آنکه استفاده از آن بر حسب قیمت جاری در بررسی‌های سری زمانی هیچ‌گونه مبنای علمی ندارد و برآوردها را با تورش همراه می‌کند.

ط) با توجه به آنچه در بالا گفته شد، نتایج مورد اشاره در پژوهش موردنظر (در یادداشت اول) و تأکید بر آنها در یادداشت دوم به‌عنوان مقایسه رشد اقتصادی کشورها فاقد اعتبار علمی است.

د) ضمناً «درحالی‌که در مجموعه آماری نامگاری بین‌المللی توسعه بانک جهانی، کشور افغانستان فاقد اطلاع آماری سال ۲۰۰۰ است، جای سؤال است که بر پژوهش موردنظر چگونه از این سال به عنوان سال پایه در دوره زمانی ۲۰۰۰–۲۰۲۱ و ۲۰۱۰–۲۰۰۰ استفاده شده است.

ه) در پایان به چند نکته درمورد مقایسه نسبی رشد اقتصادی ایران با کشورهای منتخب مورد بررسی در پژوهش موردنظر اشاره می‌کنم که توسط نگارنده تهیه شده است:

• متوسط رشد سالانه اقتصاد ایران در دوره زمانی ۲۰۰۲–۲۰۰۰ معادل ۲٫۹ درصد است که از همه کشورهای موردنظر –به‌جز آرژانتین، آفریقای جنوبی و برزیل– کمتر است. در نتیجه، اندازه اقتصاد ایران در این دوره زمانی در قیاس با اندازه اقتصاد آن کشورها –به‌جز کشورهای موردآشاره– کوچک‌تر شده است.

• ازآنجاکه کشورهای چین، قطر، آذربایجان، ویتنام، هند و قزاقستان متوسط رشد سالانه بیشتری را در این مدت تجربه کرده‌اند، اندازه نسبی اقتصاد آنها در قیاس با اقتصاد ایران در این دوره زمانی افزایش بیشتری را نشان می‌دهد.

• حتی متوسط رشد سالانه اقتصاد عراق (۲٫۹۴ درصد) در این دوره زمانی کمی بیشتر از آن برای اقتصاد ایران (۲٫۹۰ درصد) است، از این رو اندازه نسبی اقتصاد عراق در ابتدا و انتهای دوره زمانی مورد بررسی در قیاس با اقتصاد ایران بسیار اندک (از ۰/۲۴۹ تا ۰/۳۰۲-) افزایش یافته است.

الف) تولید (Production) یک فرایند است و محصول (Product) نتیجه آن است. بنابراین استفاده از واژه محصول ناخالص داخلی به جای Gross Domestic Product یا GDP بهتر و گویاتر است که در ادبیات حساب‌های ملی در کشور، از آن استفاده می‌شود.

ب) محصول ناخالص داخلی از مهم‌ترین متغیرهای کلان (Aggregates) اقتصادهای ملی است. اندازه این کمیت کلان در چارچوب اصول محاسباتی نظام حساب‌های ملی (یا SNA یا A System of National Accounts) سازمان ملل متحد در قالب سه روش تولید، هزینه و درآمد محاسبه می‌شود که درحال‌حاضر ویرایش سال ۲۰۰۸ آن مورد استفاده همه کشورهای دنیا است.

پ) رشد اقتصادی کشورها اندازه تغییرات واقعی محصول ناخالص داخلی آنها را نشان می‌دهد و منظور از آن، تغییرات مقداری (Volume) عملکرد اقتصاد آنهاست که تأثیر تغییر قیمت‌های جاری در آن حذف شده است؛ بنابراین، رشد اقتصادی نشان‌دهنده شدت نسبی تغییرات (افزایشی یا کاهش) ارزش محصول ناخالص داخلی یک اقتصاد بر حسب قیمت ثابت (و نه قیمت جاری) در طول دوره زمانی موردنظر (بین زمان پایه و زمان هدف) است که اگر سالانه (یا فصلی) محاسبه شود رشد سالانه (یا فصلی) و اگر برای یک دوره زمانی چندساله (چند فصلی) محاسبه شود، رشد تجمعی طی دوره زمان نامیده می‌شود. تأکید بر قیمت ثابت در اندازه‌گیری رشد اقتصادی در کتاب مرجع نظام حساب‌های ملی، تمام سازمان‌های آماری ملی کشورها (و از آن جمله در مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) و تمام سازمان‌های آماری بین‌المللی (و از آن جمله دفتر آمار سازمان ملل متحد، بانک جهانی، سازمان بین‌المللی کار، صندوق بین‌المللی پول و…) به‌صراحت بیان شده است و حتی در مجموعه آمارِی مورد استناد پژوهش، یعنی نامگاری‌های بین‌المللی توسعه (World Development Indicators) از نامگار رشد محصول ناخالص داخلی (GDP Growth) به‌وضوح قابل استخراج است. حال چگونه است که در ابتدای یادداشت اول به‌صراحت آن «رشد اقتصادی این کشورها… به قیمت جاری…» یاد می‌شود و در پایان آن با بیان اینکه «صرف‌نظر از این آمار شکفت‌انگیز بانک جهانی، اطلاعات و آمار منتشرشده از سوی مراکز رسمی جمهوری اسلامی ایران مانند بانک مرکزی نیز نشان می‌دهد که اقتصاد ایران از زمستان سال ۱۳۹۸ – لطفاً توجه‌کنید به قیمت ثابت و نه قیمت جاری مدنظر بانک جهانی – بی‌وقفه و تائشون در منطقه رشد قرار دارد بر درستی آن و انساق آن به بانک جهانی تأکید می‌کند.

ث) شدت نسبی تغییرات ارزش محصول ناخالص داخلی کشورها بر حسب قیمت جاری و قیمت ثابت آن متفاوت و برای کشورهای دارای نرخ تورم زیاد (مانند ایران) بسیار زیاد است. برای نشان‌دادن این تفاوت توجه کنید که طبق آمارهای مرکز آمار ایران، ارزش محصول ناخالص داخلی کشور در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ در حسب قیمت جاری به ترتیب ۲۵٬۰۹۸ و ۲۵٬۳۷۵ هزار میلیارد ریال و بر حسب قیمت‌های ثابت ۱۳۹۰ به ترتیب ۷٬۴۹۸ و ۷٬۱۵۶ هزار میلیارد ریال است که بر پایه آنها نرخ تغییرات سالانه ارزش محصول ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۷ بر حسب قیمت جاری در حدود ۵۳٫۸ درصد است، درحالی‌که اندازه متناظر آن بر حسب قیمت ثابت نهمین مثبت نیست بلکه منفی و حدود ۴۰۶- درصد است. به بیان دیگر در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۷ اقتصاد کشور نهمین رشد مثبت نداشته و بزرگ‌تر نشده است بلکه حدود ۴۰۶ درصد هم کوچک‌تر شده است.

همچنین متوسط نرخ تغییرات سالانه ارزش محصول ناخالص داخلی کشور در دوره زمانی ۲۰۰۰–۲۰۰۲ (طبق اطلاعات بانک جهانی) بر حسب پول ملی با قیمت جاری حدود ۲۲ درصد و با قیمت‌های ثابت تنها ۲٫۹ درصد است. البته این تفاوت در کشورهایی که تورم کمی را تجربه می‌کنند با اقتصاد آنها دارای فراز و فرودهای کوتاه‌مدت نیست، کمتر است. بنابراین اشتباه پژوهش موردنظر از محتوای مفهومی رشد اقتصادی و تفاوت ملموس شتاب افزایش قیمت‌ها در ایران و برخی کشورهای دیگر مورد بررسی برای کالاها و خدمات مرتبط با محصول ناخالص داخلی (اعم از آنها که در سمت تولید آن یا در سمت مصرف

ابوالفضل ابوالفتحی قمی

یادداشت کوتاه و فهرست‌گونه پیوست تأملی بر دو یادداشت زیر از آن روزنامه [شرق] است:

- مسئله تحریم نیست، سعید لیلاز، ۲۲ خردادماه ۱۴۰۲
- هزار بار به آینده ایران امیدوار هستم، گفت‌وگو با سعید لیلاز، ۲۱ شهریورماه ۱۴۰۲

در یادداشت دوم، ایشان «تحلیلگر اقتصادی» و «استاد دانشگاه» معرفی شده‌اند.

با توجه به پیشنهاد روزنامه در یادداشت دوم مبنی بر «…خواندن این مقاله خالی از لطف نیست و قطعاً می‌تواند مبنایی برای بحث و جدل‌های ساختاری در حوزه اقتصاد باشد» یادداشت پیوست صرفاً با پرداختن به مبنای پژوهش موردنظر (مفهوم رشد اقتصادی و برآورد اندازه آن) تهیه شده است. امید آنکه مورد توجه قرار گیرد. در این صورت ممکن است مفاهیم و استنتاج‌های دو یادداشت در آینده با تقصیل بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. پیش از پرداختن به موضوع اصلی دو یادداشت روزنامه شرق، دو نکته جانبی ولی مهم را بیان می‌کنم:

۱. جایگاه و منزلت رسانه‌های روزنامه شرق و وظیفه حرفه‌ای خود را برپاس بداریت تا بتوانید نقش خود را در تحولات کشور ایفا کنید. این امر با بیان دقیق و بدون سوگیری، تکیه بر موردهای مشترک و سعی در کاهش تعداد و شدت موردهای اختلافی موضوعات پیش پای کنشگران تحولات کشور ممکن می‌شود.

۲. درشت‌گویی به دیگران، خودستایی و بیان کلی‌گویی‌های بدون پشتوانه زبیده هیچ‌سخت نیست و موجب فروکاستن منزلت و جایگاه گوینده آنها می‌شود. از این روست که در فرهنگ ما، «ادب مرد به ز دولت اوست». به‌عنوان یک اصل عمومی در حیات اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است؛ بنابراین بیسان گفته‌هایی چون: «کره جنوبی که به عنوان ایالت پنجاهویکم آمریکا نیز می‌توان آن را به شمار آورد» یا «…جنگل خاورمیانه…» یا «تشبیه امارات متحده عربی به هتل بزرگ از قول صدام» یا «نه حتی روی کار آوردن مشت آه‌نین محمد بن سلمان در عربستان و مشابه آن در امارات متحده عربی…» یا «گاهی اوقات در آشوب فضای سیاسی–اجتماعی که بر اثر حادثن جریان‌ات خاصی نخبگان لنگ‌لنگان در پی سلبریتی‌ها می‌دوند و اینان نیز خود سر در پی دنبال‌کنندگان خود در فضای مجازی دارند و مرادها دل مریدان را می‌جویند، تکرار این مکررات شاید بی‌سودمندی نباشد، چراکه توهمات… به سادگی جای علم را می‌گیرند و به بدیهیات پیش‌فرض‌شده و مسلم تبدیل می‌شوند…» یا «…امارات با وجود نمایانی آکواریم بزرگ و تبلیغاتی به نام دویی…» یا «آنها … در همه این سال‌ها و به مدد شواهد متفن، بر سر قبری گریسته‌اند که مرده‌ای در آن دفن نشده است…» یا «البته اگر از میان‌مایگی‌های مرسوم روشنفکری… رهایی یافت» یا «… برجسته‌ترین نخبگان ایران… به چنان فرومایگی دچار می‌شوند و چنان فرومی‌غلطند…» و برخی دیگر از گفته‌های مشابه و درج آنها در روزنامه در یادداشتی که عنوان «پژوهش» را ب‌دک می‌کشد یا در گفت‌وگویی که به دنبال بیان دقیق‌تر و کاربردی نتایج آن پژوهش است را زبینه گوینده و روزنامه نمی‌دانم. و اما چند نکته درمورد محتوای علمی گزارش که بر نتایج آن تأثیر اساسی دارد و پاشنه آشیل آن است:

۱. بنیاد پژوهش موردنظر بر ارزیابی کلی نقش و جایگاه نسبی «تحریم» بر رشد اقتصادی کشورها است، بنابراین خشت اول این پژوهش اندازه‌گیری «رشد اقتصادی» کشورهایی است که برای این ارزیابی انتخاب شده‌اند و از همین‌جاست که معمار دیوار پژوهش خشت اول را نهمینا کج می‌گذارد، بلکه خشتی را می‌گذارد که پایدار نیست. علاوه بر آن ملاتی نیز که برای روی هم گذاشتن خشت‌های این دیوار در نظر گرفته شده است، چسبندگی و ایستایی لازم را ایجاد نمی‌کند و این دیوار نهمینا تا ثریا نمی‌رسد بلکه در همان ارتفاع مقدماتی خود خراب می‌شود و آوار آن به‌عنوان نتایج پژوهش ارائه می‌شود. ازاین‌رو من هم مانند ایشان بدیهیاتی را بیان می‌کنم که به احتمال زیاد در شرایطی استثنائی، موردتوجه ایشان (در جایگاه تحلیلگر اقتصادی) قرار نگرفته است.

ادامه از صفحه اول

نقض آشکار قانون در قالب قرارداده‌ا، وفای به عهد و اصل پایبندی به قرارداده‌ا و تعهدات (pacta sunt servanda) در حقوق مدنی و بین‌المللی…».

اصل لاضرر در حقوق داخلی و بین‌المللی که به موجب آن هرکس موجب ایراد ضرر و زیان به دیگری شود، ملزم و مکلف به جبران زیان وارده خواهد بود و مطابق همه نظام‌های حقوقی و قضائی، اعم از داخلی و بین‌المللی جبران خسارت باید حتی‌الامکان همه آثار عمل خلاف قانون را برطرف کند و وضعی را برقرار کند که مبنی بر رویه قضائی منبعت است از رای: chozrow دیوان دادگستری بین‌المللی مورخه ۲۷ جولای ۱۹۲۷ (تیرماه ۱۳۰۶)».

به زبان دیگر می‌توان گفت: جبران خسارت، نتیجه طبیعی یا عوض ضرر تلقی می‌شود. از طرف دیگر، مطابق یکی از اصول مسلم و معتبر حقوق بین‌الملل عمومی، نقض یکی از الزامات بین‌المللی، ایجاد تعهد مبنی بر جبران خسارت ناشی از عمل نقض، به شکلی مناسب را ایجاد می‌کند.

بدیهی است که عراق ملزم به پرداخت خسارات مالی، جانی و معنوی ناشی از جنگ بوده است و این مسئولیت به نقض قاعده بین‌المللی و به رسمیت شناخته‌شده jus And Bellum (نقض از طریق توسل به زور) برمی‌گردد.

به دیگر سخن، اقدام به جنگ تجاوزکارانه، مسئولیت دولت متجاوز را به دنبال دارد. و بر همین مناسبت که ماده ۲۳۱ معاهده صلح ورسای (traite de versailles) ۱۹ ژوئن ۱۹۱۹ (ششم تیرماه ۱۳۹۸)، «دولت آلمان و متحدین را مسئول و جوابگوی جبران کلیه ضایعات و خسارات وارده بر حکومت‌های متفق و پیوستگان آنها می‌داند و خسارات ناشی از جنگ تجاوزکارانه را جنایتی بین‌المللی اعلام می‌کند» و در این زمینه کمیسیون اقدام به تدوین حقوق بین‌الملل کرده است؛ پروتکل ژنو ۱۹۲۴ (۱۳۵۲)، قطع‌نامه مجمع عمومی ملل متحد مورخه سپتامبر ۱۹۲۷ (مهرماه ۱۳۰۶)، قطع‌نامه مورخه ۱۹۷۰ (۱۳۴۸)، و قطع‌نامه ۳۳۱۴ مورخه ۱۹۷۴ (۱۳۵۲) مجمع عمومی ملل متحد نیز جنگ تجاوزکارانه را جنایتی بین‌المللی و علیه بشریت قلمداد کرده و بر مسئولیت دولت متجاوز تأکید دارد.

شایان یادآوری است که خسارات مالی و مادی شامل همه خسارات مستقیم، خسارات غیرمستقیم، عدم نفع و هزینه‌های مربوط به درمان مجروحان جنگی، مستمری

جدول شماره ۱– برآورد متوسط رشد اقتصادی سالانه و اندازه نسبی اقتصادهای منتخب در دوره زمانی ۲۰۲۲–۲۰۵۰ (PPI قیمت ثابت ۲۰۱۱؛ برآورد دلار بین‌المللی درصد)

کشور	مجمول ناخالص داخلی ۲۰۵۰	مجمول ناخالص داخلی ۲۰۲۲	متوسط رشد سالانه طی دوره	سهم نسبی هر کشور نسبت به ایران ۲۰۵۰	سهم نسبی هر کشور نسبت به ایران ۲۰۲۲
ایران	۷۲۳	۱۳۵۶	۲٫۹۰	۱٫۰۰	۱٫۰۰
چین	۴۳۵۸	۲۵۶۸۵	۸٫۴۰	۶٫۳۰	۱۸٫۹۵
افغانستان	*	*	*	*	*
آذربایجان	۳۲	۱۵۳	۷٫۳۵	۰٫۰۴	۰٫۱۱
ویتنام	۲۹۲	۱۱۱۹	۶٫۳۰	۰٫۴۰	۰٫۸۳
روسیه	۲۱۳۶	۴۰۲۷	۲٫۹۲	۲٫۹۶	۲٫۹۷
قزاقستان	۱۵۳	۵۱۲	۵٫۶۵	۰٫۲۱	۰٫۳۸
ترکیه	۹۷۶	۲۸۱۶	۴٫۹۳	۱٫۳۵	۲٫۰۸
آرژانتین	۶۸۷	۱۰۳۸	۱٫۸۹	۰٫۹۵	۰٫۷۷
قطر	۵۱	۲۶۲	۷٫۶۹	۰٫۰۷	۰٫۱۹
هند	۲۷۲۴	۱۰۵۵۷	۶٫۱۲	۳٫۷۷	۷٫۴۲
مراکش	۱۳۸	۳۰۷	۳٫۷۱	۰٫۱۹	۰٫۲۳
شیلی	۲۳۷	۵۰۷	۳٫۵۳	۰٫۳۳	۰٫۳۷
اندونزی	۱۲۰۳	۳۴۱۹	۴٫۸۶	۱٫۶۷	۲٫۵۲
عراق	۲۱۶	۴۰۹	۲٫۹۴	۰٫۳۰	۰٫۳۰
مالزی	۳۶۹	۹۶۱	۴٫۴۴	۰٫۵۱	۰٫۷۱
اسرائیل	۱۹۲	۴۲۳	۳٫۶۶	۰٫۲۷	۰٫۳۱
عربستان سعودی	۸۷۱	۱۸۲۱	۳٫۴۱	۱٫۲۰	۱٫۳۴
آفریقای جنوبی	۴۹۶	۸۰۷	۲٫۲۳	۰٫۶۹	۰٫۶۰
امارات متحده عربی	۳۱۷	۷۰۱	۳٫۶۷	۰٫۴۴	۰٫۵۲
مصر	۵۶۲	۱۴۱۹	۴٫۳۰	۰٫۷۸	۱٫۰۵
پاکستان	۵۲۰	۱۲۸۶	۴٫۲۰	۰٫۷۲	۰٫۹۵
برزیل	۲۰۲۸	۳۲۵۰	۲٫۱۷	۲٫۸۱	۲٫۴۰
کره	۲۳۴۷	۱۰۷۹	۳٫۵۹	۱٫۴۹	۱٫۷۳

ماخذ: مجموعه آماری نامگار های بین‌المللی توسعه، بانک جهانی

جدول شماره ۲– برآورد متوسط رشد اقتصادی سالانه و اندازه نسبی اقتصادهای منتخب در دوره زمانی ۲۰۲۲–۲۰۵۰ (قیمت ثابت، میانگین واحد پول ملی، درصد)

کشور	مجمول ناخالص داخلی ۲۰۵۰	مجمول ناخالص داخلی ۲۰۲۲	متوسط رشد سالانه طی دوره	سهم نسبی هر کشور نسبت به ایران ۲۰۵۰	سهم نسبی هر کشور نسبت به ایران ۲۰۲۲
ایران	۸۳۵۰۸۲۷	۱۵۶۶۳۲۵۲	۲٫۹۰		
چین	۱۷۲۵۱	۱۰۱۶۶۵	۸٫۴۰		
افغانستان	*	*	*		
آذربایجان	۷	۳۲	۷٫۳۵		
ویتنام	۱۴۴۵۰۸۵	۵۵۴۵۷۱۶	۶٫۳۰		
روسیه	۴۸۹۱۰	۹۲۲۲۳	۲٫۹۲		
قزاقستان	۴۶۳۵	۱۵۵۱۶	۵٫۶۵		
ترکیه	۷۳۵	۲۱۲۱	۴٫۹۳		
آرژانتین	۴۸۰	۷۲۵	۱٫۸۹		
قطر	۱۳۵	۶۹۰	۷٫۶۹		
هند	۴۳۲۶۷	۱۵۹۷۱۱	۶٫۱۲		
مراکش	۵۳۲	۱۱۸۵	۳٫۷۱		
شیلی	۹۵۶۱۴	۲۰۵۰۲۳	۳٫۵۳		
اندونزی	۴۱۲۱۷۲۶	۱۱۷۱۰۳۹۸	۴٫۸۶		
عراق	۱۱۲۲۱۱	۲۱۲۴۰۹	۲٫۹۴		
مالزی	۵۷۹	۱۵۰۷	۴٫۴۴		
اسرائیل	۷۱۷	۱۵۸۱	۳٫۶۶		
عربستان سعودی	۱۴۲۲	۲۹۷۵	۳٫۴۱		
آفریقای جنوبی	۲۸۲۷	۴۵۹۶	۲٫۲۳		
امارات متحده عربی	۷۲۸	۱۶۱۰	۳٫۶۷		
مصر	۱۸۳۵	۴۶۳۴	۴٫۳۰		
پاکستان	۱۶۷۹۰	۴۱۵۱۱	۴٫۲۰		
برزیل	۲۷۰۰۷	۴۳۳۳۸	۲٫۱۷		
کره	۹۰۳۵۵۱	۱۹۶۴۸۳۲	۳٫۵۹		

ماخذ: مجموعه آماری نامگار های بین‌المللی توسعه، بانک جهانی

نقش مؤثر در ایجاد نظام حساب‌های ملی در کشور تا سال ۱۳۵۳ و بعد از آن، درحال‌حاضر دارای مرجعیت رسمی قانونی نیست و استفاده از آمار حساب‌های ملی آن بانک توسط مسئولان کشوری و سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند محل سؤال باشد.

• لازم است گفته شود که طبق قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۵۳ و قانون برنامه ششم توسعه مصوب مجلس و مصوبه‌های مبتنی بر آنها، تنها مرجع رسمی تهیه و انتشار آمار حساب‌های ملی کشور مرکز آمار ایران است و بانک مرکزی علی‌رغم

چرا مسئولان در این باره با صاحبان حق (مردم) از بیان حقیقت ابا داشته و دارند؟! مگر نه این است که در این جنگ خانمان سوز جان و مال و حیثیت همین مردم بوده است که آسیب دید؟! افکار عمومی از خود می‌پرسد چرا این همه از ریز و درشت زوایای جنگ از بام تا شام گفته می‌شود، جز اعاده حقوق حقه برادرانفد ملت در این جنگ ویرانگر؟! پیام سکوت دولتمردان در این باره از سال ۱۳۴۷ تاکنون چیست؟! جا دارد برای یک بار هم که شده، مسئولان در این زمینه روراست و شفاف با مردم سخن گفته و گزارشی از اقدامات‌شان را در این زمینه به «ولی‌نعمتان انقلاب» ارائه دهند!

دفاع از حقوق مردم نسبت به هیچ شخصیت حقیقی و حقوقی در هر جامه و جایگاه و به هر بهانه کوتاه نیاییم.

چه باشیم یا نباشیم، خواهی نخواهی، دیر یا زود، جنگ‌دیده‌ها و جنگ‌ندیده‌ها، ما را مورد بازخواست قرار داده و در این زمینه از ما خواهند پرسید! در پاسخ به آنها، به‌ویژه آسیب‌دیدگان از رهگذر این جنگ ویرانگر چه جوابی داریم؟! اگر بپذیریم که «خط قرمز هر ملتی منافع و مصالح آن ملت است» که همگی به این مهم سخت پایبند بوده و هستیم، پس از یاد نبریم که نسل امروز و فردا و فرادهای بعدی ما را نخواهند بخشید، اگر برحقوق حقه ملت در این زمینه یعنی خسارت‌های وارده از رهگذر جنگ به کشورمان چشم پوشیده و آن را نادیده انگاریم!

مسئولیت قانونی دولت وقت عراق درباره موارد فوق براساس کنوانسیون‌های مربوط به جنگ محرز بوده است و با تعیین «دولت جایگزین» آثار اعمال دولت قبل بر «دولت حاکم امروزی» استوار و پابرجاست و اصولاً مفهوم شناسایی دولت جدید (جانشین) در حقوق بین‌الملل بیانگر این واقعیت است که سایر دولت‌ها می‌پذیرند که دولت جانشین رعایت قواعد و کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل را که دولت قبلی پذیرفته است، باید در سرلوحه کار خود قرار دهد و بازگر حقوق بین‌الملل ملزم به رعایت قاعده بازی است، بنابراین با عنایت به گزارش دبیرکل وقت سازمان ملل متحد (جناب خاوریر بزر دودکویان) در معرفی عراق به‌عنوان آغازگر جنگ و قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، دولت قانونی وقت عراق سبب خسارات وارده و ناقض کنوانسیون‌های مربوط به جنگ بوده است.

شروع جنگ و تجاوز به خاک ابرنا بی به اعلام سازمان ملل متحد و بر مبنای صدها سند و مدرک قانونی محکمه‌پسند و قابل استناد در مجامع رسمی و بین‌المللی از ناحیه دولت عراق صورت گرفته است، دولت ایران آغازگر جنگ نبوده و دولت جایگزین دولت سابق در چارچوب قوانین بین‌المللی متعهد به پرداخت خسارت‌های مادی و معنوی وارده بر ملت ایران است.

چگونه است که دولت کویت به تمام و کمال همه خسارت‌های ۵۲میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلاری ناشی از تهاجم سال ۱۳۶۹ رژیم عراق به آن کشور را تا دلار آخر در نیمه دوم بهمن ماه ۱۴۰۰ در چارچوب قوانین بین‌المللی از دولت فعلی عراق وصول می‌کند؛ اما تاکنون کمترین اقدامی در این باره نکرده و سکوت اختیار کرده‌ایم؟! مانع‌ها بر سر راه ما در گرفتن حقوق حقه مردم ایران از دولت عراق کدام‌اند؟

دفاع از حقوق مردم نسبت به هیچ شخصیت حقیقی و حقوقی در هر جامه و جایگاه و به هر بهانه کوتاه نیاییم.

چه باشیم یا نباشیم، خواهی نخواهی، دیر یا زود، جنگ‌دیده‌ها و جنگ‌ندیده‌ها، ما را مورد بازخواست قرار داده و در این زمینه از ما خواهند پرسید! در پاسخ به آنها، به‌ویژه آسیب‌دیدگان از رهگذر این جنگ ویرانگر چه جوابی داریم؟! اگر بپذیریم که «خط قرمز هر ملتی منافع و مصالح آن ملت است» که همگی به این مهم سخت پایبند بوده و هستیم، پس از یاد نبریم که نسل امروز و فردا و فرادهای بعدی ما را نخواهند بخشید، اگر برحقوق حقه ملت در این زمینه یعنی خسارت‌های وارده از رهگذر جنگ به کشورمان چشم پوشیده و آن را نادیده انگاریم!

مسئولیت قانونی دولت وقت عراق درباره موارد فوق براساس کنوانسیون‌های مربوط به جنگ محرز بوده است و با تعیین «دولت جایگزین» آثار اعمال دولت قبل بر «دولت حاکم امروزی» استوار و پابرجاست و اصولاً مفهوم شناسایی دولت جدید (جانشین) در حقوق بین‌الملل بیانگر این واقعیت است که سایر دولت‌ها می‌پذیرند که دولت جانشین رعایت قواعد و کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل را که دولت قبلی پذیرفته است، باید در سرلوحه کار خود قرار دهد و بازگر حقوق بین‌الملل ملزم به رعایت قاعده بازی است، بنابراین با عنایت به گزارش دبیرکل وقت سازمان ملل متحد (جناب خاوریر بزر دودکویان) در معرفی عراق به‌عنوان آغازگر جنگ و قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، دولت قانونی وقت عراق سبب خسارات وارده و ناقض کنوانسیون‌های مربوط به جنگ بوده است.

شروع جنگ و تجاوز به خاک ایران بی به اعلام سازمان ملل متحد و بر مبنای صدها سند و مدرک قانونی محکمه‌پسند و قابل استناد در مجامع رسمی و بین‌المللی از ناحیه دولت عراق صورت گرفته است، دولت ایران آغازگر جنگ نبوده و دولت جایگزین دولت سابق در چارچوب قوانین بین‌المللی متعهد به پرداخت خسارت‌های مادی و معنوی وارده بر ملت ایران است.

چگونه است که دولت کویت به تمام و کمال همه خسارت‌های ۵۲میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلاری ناشی از تهاجم سال ۱۳۶۹ رژیم عراق به آن کشور را تا دلار آخر در نیمه دوم بهمن ماه ۱۴۰۰ در چارچوب قوانین بین‌المللی از دولت فعلی عراق وصول می‌کند؛ اما تاکنون کمترین اقدامی در این باره نکرده و سکوت اختیار کرده‌ایم؟! مانع‌ها بر سر راه ما در گرفتن حقوق حقه مردم ایران از دولت عراق کدام‌اند؟

دفاع از حقوق مردم نسبت به هیچ شخصیت حقیقی و حقوقی در هر جامه و جایگاه و به هر بهانه کوتاه نیاییم.

چه باشیم یا نباشیم، خواهی نخواهی، دیر یا زود، جنگ‌دیده‌ها و جنگ‌ندیده‌ها، ما را مورد بازخواست قرار داده و در این زمینه از ما خواهند پرسید! در پاسخ به آنها، به‌ویژه آسیب‌دیدگان از رهگذر این جنگ ویرانگر چه جوابی داریم؟! اگر بپذیریم که «خط قرمز هر ملتی منافع و مصالح آن ملت است» که همگی به این مهم سخت پایبند بوده و هستیم، پس از یاد نبریم که نسل امروز و فردا و فرادهای بعدی ما را نخواهند بخشید، اگر برحقوق حقه ملت در این زمینه یعنی خسارت‌های وارده از رهگذر جنگ به کشورمان چشم پوشیده و آن را نادیده انگاریم!

مسئولیت قانونی دولت وقت عراق درباره موارد فوق براساس کنوانسیون‌های مربوط به جنگ محرز بوده است و با تعیین «دولت جایگزین» آثار اعمال دولت قبل بر «دولت حاکم امروزی» استوار و پابرجاست و اصولاً مفهوم شناسایی دولت جدید (جانشین) در حقوق بین‌الملل بیانگر این واقعیت است که سایر دولت‌ها می‌پذیرند که دولت جانشین رعایت قواعد و کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل را که دولت قبلی پذیرفته است، باید در سرلوحه کار خود قرار دهد و بازگر حقوق بین‌الملل ملزم به رعایت قاعده بازی است، بنابراین با عنایت به گزارش دبیرکل وقت سازمان ملل متحد (جناب خاوریر بزر دودکویان) در معرفی عراق به‌عنوان آغازگر جنگ و قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، دولت قانونی وقت عراق سبب خسارات وارده و ناقض کنوانسیون‌های مربوط به جنگ بوده است.

شروع جنگ و تجاوز به خاک ابرنا بی به اعلام سازمان ملل متحد و بر مبنای صدها سند و مدرک قانونی محکمه‌پسند و قابل استناد در مجامع رسمی و بین‌المللی از ناحیه دولت عراق صورت گرفته است، دولت ایران آغازگر جنگ نبوده و دولت جایگزین دولت سابق در چارچوب قوانین بین‌المللی متعهد به پرداخت خسارت‌های مادی و معنوی وارده بر ملت ایران است.

چگونه است که دولت کویت به تمام و کمال همه خسارت‌های ۵۲میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلاری ناشی از تهاجم سال ۱۳۶۹ رژیم عراق به آن کشور را تا دلار آخر در نیمه دوم بهمن ماه ۱۴۰۰ در چارچوب قوانین بین‌المللی از دولت فعلی عراق وصول می‌کند؛ اما تاکنون کمترین اقدامی در این باره نکرده و سکوت اختیار کرده‌ایم؟! مانع‌ها بر سر راه ما در گرفتن حقوق حقه مردم ایران از دولت عراق کدام‌اند؟

دفاع از حقوق مردم نسبت به هیچ شخصیت حقیقی و حقوقی در هر جامه و جایگاه و به هر بهانه کوتاه نیاییم.

چه باشیم یا نباشیم، خواهی نخواهی، دیر یا زود، جنگ‌دیده‌ها و جنگ‌ندیده‌ها، ما را مورد بازخواست قرار داده و در این زمینه از ما خواهند پرسید! در پاسخ به آنها، به‌ویژه آسیب‌دیدگان از رهگذر این جنگ ویرانگر چه جوابی داریم؟! اگر بپذیریم که «خط قرمز هر ملتی منافع و مصالح آن ملت است» که همگی به این مهم سخت پایبند بوده و هستیم، پس از یاد نبریم که نسل امروز و فردا و فرادهای بعدی ما را نخواهند بخشید، اگر برحقوق حقه ملت در